

آينه

کیمیان

بیج تاریخی و خیانت به ملت

● **حسین شمسبان:** هدف این «مشاطه‌های آمریکا» چیست و آنها در این بزنگاه تاریخی چه چیزی را دنبال می‌کنند؟ این گونه به نظر می‌رسد که اینها می‌کوشند با ارسال پالس غلط و تصویر مخدوش و رتوش شده از آمریکا، روی تیم مذاکره‌کننده اثر بگذارند. آنها سه هدف و اثر را دنبال می‌کنند: نخست می‌کوشند تیم را مرعوب آمریکا کرده و با بزرگ‌نمایی قدرت حریف و خطر جنگ موهوم؛ لاجرم آنها را وادار به تسلیم در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمن کند. دوم آمریکا را قابل اعتماد و خیرخواه مردم ما نشان دهند و باعث شوند که بجای محکم‌کاری و تنظیم قراردادی غیر قابل تفسیر، متنی مخدوش و یکسویه به تیم هسته‌ای کشورمان تحویل شود. و سوم اینکه با نشان دادن همه فلش‌های گشایش اقتصادی به سوی آمریکا این باور غلط را در تیم ایجاد کنند که برای رفاه و آسایش مردم هم که شده، باید تن به خواست ظالمانه و غیرانسانی آمریکا بدهند!

ایمپراتوری

جدیدترین پیام هسته‌ای اواما به ایران

● **مهرداد بذریاش:** اخیرا یکی از سران کشورهای همسایه پیامی از سمت رئیس‌جمهور آمریکا برای مقامات کشورمان آورده بود. رئیس‌جمهور آمریکا که داعیه اصلاح سیاست خارجی ایالات متحده را داشت حالا به آخر خط رسیده و در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نیازمند توافق با ایران بر سر موضوع هسته‌ای کشورمان است تا مختصر دستاوردی در پایان دوره خود داشته باشد. آنها در پیابها و مکاتبات خصوصی شان با احترام از ایران درخواست می‌کنند که پای میز مذاکره و توافق بایند اما در رسانه‌هایشان ایران را تهدید به روی میز بودن گزینه‌های نظامی می‌کنند.

ایران

آنچه از قوه قضائیه انتظار می‌رود

● **الهام امین‌زاده:** بی‌توجهی به نقش مهم قوه قضائیه در تضمین امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند معادلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. بدون تردید نقش قوه قضائیه در برخورد با تخلفات کلیه فعالان اقتصادی و اجتماعی بی‌بدیل است و این امر می‌تواند با تقویت احساس عدالت به تشویق برای فعالیت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری و بهبود امور اجتماعی منتهی شود. بنابراین، اگر تولیدکنندگان، تاجران، صنعتگران، مبینکران، نخبگان و پیمانکاران به تضمین حقوق خود در مراحل مختلف فعالیت اطمینان داشته باشند این آرامش و احساس عدالت می‌تواند باعث شکوفایی و کارآمدی بیشتر نظام شود. بدیهی است که در این راستا تعاملات مثبت قوا در کنار استقلال قوا می‌تواند نقش بسزایی در این افزایش کارآمدی ایفا‌د کند.

اعتراض

جلسات ولنجک خونفاک نیست

● **میرتاج الدینی:** احمدی‌نژاد نمی‌خواهد برای ورود به انتخابات مشکلی داشته باشد/ فعالیت سیاسی حق مسلم احمدی‌نژاد است/ جلسات ولنجک، خوففاک نیست/ کارنامه ۱۲ ساله اصولگرایان قابل دفاع است/ آیت‌الله مصباح نقش پدر معنوی اصولگرایان را دارد/ اصولگرایان در انتخابات ۹۲ اشتباه تحلیلی کردند/ فعالیت دانشگاه ایرانیان متوقف شده است/ لابیجانی و مصاح رهبری و ولایت را قبول دارند و هر دو حرف رهبری را برای خودشان مطاع می‌دانند/ عملکرد جریان اصولگرا را با محکومیت یک فرد مقایسه نمی‌کنند/ دولت آقای روحانی همه همش را روی بحث تحریم‌ها و مذاکرات هسته‌ای گذاشته است و برگ برنده‌اش را هم اینجا می‌داند/ دلیل اصلی تورم در دولت احمدی‌نژاد تحریم‌ها بود/ احمدی‌نژاد در انتخابات مجلس فعالیت ندارند و نخواهند داشت/ اینکه شما بیاید دفتر یک رئیس‌جمهور سابق بگویید که اینجا چرا می‌نشینند آنجا صحبت می‌کنند، چرا تحلیل می‌کنند حرف درستی نیست.

اعتراض مردم

۲ نکته در دقیقه ۹۰ مذاکرات

● **مهدی محمدی:**...طرف آمریکایی به فاصله کمتر از ۱۰ روز از زمان انتشار بیانیه لوزان برخی تعهدات کلیدی خود را پس گرفت و به اصطلاح بد کرد. از همان زمان یک تحلیل بسیار جدی این بود که هدف از این بدبه کردن در واقع نه بر هم زدن چارچوب لوزان بلکه ایجاد شرایطی است که ایران به مدافع ناظم لوزان بدل شده و عمل ۵+۱ به آن را برای خود پیروزی محسوب کند. برخی منابع نزدیک به دولت آمریکا هم همان زمان گفتند استراتژی آمریکا اکنون «حفظ چارچوب لوزان» است اما این کار را از طریق فاصله‌گذاری با آن انجام خواهد داد. این امری است که باید اکیداً از آن مراقبت کرد. حیانت از خطوط قرمزی که رهبر معظم انقلاب اسلامی هفتۀ گذشته برشمردند نیازمند بازنگری‌های اساسی در چارچوب لوزان است که به تصریح تیم مذاکره‌کننده هیچ الزام حقوقی یا حتی سیاسی برای ایران ایجاد نمی‌کند و لذا مانع مذاکره مجدد درباره راه‌حل نیست. آنچه توافق نهایی در ایران با آن مقایسه خواهد شد، متن فکت‌شیت آمریکاست و ملک مطلوبیت آن هم میزان فاصله‌ای خواهد بود که موفق به تولید آن با این متن شده است.

ادامه از صفحه ۳

اگر بخواهم با تسامح به موضوع نگاه کنم و از یک زوایه مارکسی زیربنا و روبنا در این مسئله قائل شوم؛ اینجا برای من زیربنا آزادی بوده و بقیه موارد روبنای آزادی است. ابتدا در زیربنای آزادی باید تغییر [ایجاد] شود تا در بقیه مسائل تغییر به‌وجود بیاید. اما این موضوع، یک بحث درون‌گفتمانی و درون‌اصلاحاتی است. یک جریان وجود دارد به نام اصلاحات و می‌خواهد ببیند که دل‌مشغولی نظری آن چیست؟ دل‌آشوبه کنش او چیست؟ طبیعتاً من کماکان آزادی را تجویز می‌کنم، اما در طرف دیگر این جریان، یک جامعه وجود دارد و مردمی هستند که زندگی روزمره سیاسی خود را دارند و در این زندگی روزمره درگیرند. جریان‌هایی باید با این بخش رابطه برقرار کنند. اگر جامعه را هرمی فرض کنیم که مردم در قاعده آن باشند و بخواهیم با قاعده هرم ارتباط برقرار کنیم؛ آیا این قاعده هم‌اکنون هم با مفاهیمی مانند آزادی ارتباط برقرار می‌کند، یا با مفاهیم انضامی‌تری مانند امنیت، معیشت، کار، شغل و اشتغال؟ آمار نشان می‌دهد حداقل [پیش از] یک دهه پیش، مفهوم آزادی در صدر خواسته‌های مردم بوده است. اما در پیمایش‌های اخیر، معیشت و امنیت در صدر قرار گرفته‌اند. یک نیروی اجتماعی و سیاسی باید بتواند بین آرمان، هدف، ایده و مکتب خود با چیزی که مردم به‌دنیال آن هستند، به یک جمع‌بندی برسد. چراکه درغیراین‌صورت نمی‌تواند جنبش ایجاد کند یا اگر هم به‌صورت ظاهری موفق شود، جنبشی بی‌پشتوانه خواهد بود. جنبشی که در تعدادی بازنگر، پژوهشگر و نخبه که نمی‌توانند با مردم ارتباط برقرار کنند، خلاصه می‌شود.

مهم این است که بتوان بین این دو آشتی برقرار کرد. یعنی بین آنچه درون‌تشکیلاتی است و آنچه در قاعده هرم می‌گذرد تناسب ایجاد شود.

به‌نظر من امروز، وظیفه اصلاحات و کنشگران اصلاح‌طلب جامعه، آشتی‌دادن همین دو مقوله است. کنشگران باید نیم‌نگاهی به اهداف و آرمان‌های والای خود داشته و نه‌تنها از آنها عدول نکنند بلکه اهداف خود را در همان معنای موسع، جست‌وجو و طلب کند. اما از سوی دیگر باید به این بیندیشند که با مردم و جامعه چگونه می‌شود رابطه ایجاد کرد؟ این خیلی موضوع مهمی است.

ما نباید دچار به‌اصطلاح توده‌های جامعه پوپولیستی و این‌گونه مسائل شویم. ما نباید فرض کنیم اگر به طرف مردم گرایش پیدا کنیم، به پوپولیسم سوق پیدا کرده‌ایم. این درست نیست. به‌تعبیر «الاکلاو» پوپولیسم، امروز یک جنبش ترقیی است. آن مفهومی که در دهه ۶۰ پوپولیسم را [انتها] ویژه یک جامعه توده‌وار ناگاه مطرح می‌کرد گذشته است. پوپولیسم، خود یک جنبش بسیار پست‌مدرن ترقیی است که پیروان مطالبه مشترک صورت می‌گیرد. ما باید این مطالبه مشترک را درک و فهم کنیم. ما باید بین مطالبه مشترک توده‌های مردم و جامعه با نخبگان آشتی برقرار کنیم.

به این معنا که بتوانیم جغرافیای مشترکی ایجاد کنیم و در آن جغرافیای مشترک عمارت نظری و گفتمانی خود را بنا یا ترسیم کنیم.

در آن صورت است که ما دوباره به‌مثابه یک کنشگر جمعی حاضر در لحظات جامعه و کارگزار تغییر تاریخی جامعه خود مطرح می‌شویم. درغیراین‌صورت حضور به آستانه‌های انتخابات و تقسیم قدرت خلاصه خواهد شد. بر همین روال، فردای انتخابات دوباره از ما خبری نخواهد بود تا مرحله دیگری که بوی قدرت به مشاممان برسد و دوباره وارد صحنه شویم. من این [شکل] حرکت را نمی‌پسندم. به‌نظرم جنبش اصلاحات، افزون بر یک جنبش سیاسی، یک جنبش فرهنگی، اجتماعی و گفتمانی است. جنبشی که باید بتواند در لحظه و با استراتژی و تاکتیک‌های فرهنگی، اجتماعی و معرفتی در قاعده هرم جامعه کار کند و قاعده هرم را از زیر، به جوشش دریاورد و متحول کند. یعنی فرهنگ‌سازی کرده تا جامعه را مهیای تغییرات کند، نه اینکه بار تغییر را خود بر دوش بکشد. جنبش نباید احتاج به «آوناکارد» داشته باشد. به‌نظر من دوران آوناکارد‌های کلاسیک، دوران احزاب «سالار حقیقت» و به‌اصطلاح آوناکارد گذشته است. باید تلاش کنیم خودمان را به آگاهی برسانیم تا مردم به مقتضای شرایط و آگاهی‌شان ما با حرکت کنند. ما در یک مرحله تک‌پیکنده تاریخی هستیم که [در آن] اصلاح‌طلبان باید تکلیفشان را با خود، گفتمان، جنبش، هاله‌های سمپاتیکی خود و مردم و تاریخشان مشخص کنند.

کا شما می‌گویید باید بین نخبگان و مردم آشتی برقرار شود. نتیجه این جدایی اکنون برای همگان روشن است چون یکی از پیامدهایش، هشت سال دوره احمدی‌نژاد بود. اما مسئله اصلی این است که پایه این آشتی چیست؟ در واقع شرایط لازم برای رسیدن به این آشتی چیست؟

کنشگران سیاسی و اجتماعی همواره در طول تاریخ تلاش کرده‌اند شرایط ذهنی و مشارکت عینی را به‌هم گره بزنند. فقط در گره‌زدن شرایط ذهنی و عینی است که حرکت ایجاد می‌شود. آنها تلاش کرده‌اند ایده‌ها و خواسته‌های خودشان را به ایده‌ها و خواسته‌های مردم نزدیک و در شرایط پراکتیکال جامعه حرکت کنند. شرایط واقعی جامعه را فهم کنند و بدانند در چه زمینی قدم برمی‌دارند. مسیر به کدام سو است؟ و مردم چه تقاضایی دارند؟ معنای این سخن این نیست که ما در تقاضاهای ملموس و مادی مردم غرقه شویم. ما از یک طرف آرمان‌های والای خودمان را داریم و از طرف دیگر، جنبشی [هستیم] که می‌خواهیم شرایط را برای مردم متفاوت کنیم و تغییر دهیم. ما نمی‌خواهیم یک عالم انتزاعی و ربیایی و دیگر، بسازیم. ما می‌خواهیم در زمین باشیم و نه در آسمان. اگر می‌خواهیم در زمین تغییری ایجاد کنیم، باید روی «فرش» تغییر ایجاد کنیم و نه در «عرش»! باید ریشی داشته باشیم که بتوانیم با آن برویم تجریش! اگر ریشی نداشته باشی که با آن بروی تجریش، تجریش را از ذهنت خارج کن! ولی اگر هدفت رقتن به تجریش است، باید ریش‌اش را هم داشته باشی، یعنی زمینه و شرایط آن را هم داشته باشی.

بحث من این است که نیروهای اجتماعی و سیاسی‌ای موفق هستند که همواره تلاش می‌کنند بین شرایط ذهنی و عینی داخل ایجاد کنند. اگر شرایط ذهنی خود را فراموش کنند و غرق در شرایط عینی شوند؛ به‌اصطلاح یک سویه می‌شوند و کاری هم پیش نمی‌رود. از سوی دیگر اگر ذهنی‌گرای خاص شده و از شرایط عینی جامعه‌خود غافل شوند، انتزاعی و رویایی فکر کرده و فقط در رویای خود، کنشگری می‌کنند. اگر سری در عرش داریم باید پایی هم در فرش داشته باشیم. یعنی سری در آسمان داشته باشیم و به آرمان‌های والا بیندیشیم اما پایی هم در پراتیک جامعه و شرایط عینی جامعه داشته باشیم. در این صورت است که کنشگر، مورد پذیرش قرار می‌گیرد و صدایش شنیده می‌شود. در این صورت مرام و منش این کنشگر می‌تواند در یک گفتمان مسلط و در ایده‌های مختلف جامعه رسوب کند و یک جامعه را به حرکت دریاورد.

کا شما مکانان آزادی را موضوعی می‌دانید که هنوز باید دغدغه اصلاح‌طلبان باشد. شاید این آزادی برای گروه نخبه، به‌صورت کامل

سیاست



عکس از صفحه نخست شرق

محمد رضا تاجیک از تدوین مانیفست «نواصلاح‌گرایی» می‌گوید

بازگشت به دقایق سازنده ۷۶

محقق نشده باشد، اما در بخش‌هایی از زندگی روزمره مردم برآورده شده است. ممکن است یک جوان که حدی از آزادی را در نوع پوشش دارد و یا می‌تواند با حیوان خانگی‌اش راه برود نیاز میرمی به آزادی حسن کند؛ دست‌کم در معنا و مفهومی که مدنظر نخبگان است.

آزادی به‌عنوان «درد مشترک» شاید بتواند بخشی از نخبگان را حول خود بسجج کند اما برای توده مردم، مباحثی مانند اشتغال یا امنیت پررنگ‌تر است. در چنین شرایطی باید چگونه رفتار کرد؟ آیا باید در کنار بحث آزادی که بحث اصلی است، زیرشاخه‌های دیگری تعریف کرد؟ من از گذشته گفتم‌ام. آزادی در درون خود، آنتی‌گونیسم و «دگر» خود را می‌سازد و آن، ضد آزادی است؛ اگرچه چهره آزادی دارد. این چهره «دگر» آزادی، به نظر من یک صورت و سیرت مبتذل و فانتزی آزادی است که به اصطلاح، بسیاری از انسان‌ها را می‌تواند اقناع و اشباع کند. یک فرد ممکن است با اینکه بتواند سگ خود را بیرون بیاورد یا مقداری بتواند «آزادی یواشکی» داشته باشد و یا مواردی از این دیور، به‌لحاظ تقاضای آزادی، اشباع و اقناع شود. این درواقع ضدآزادی است. این آزادی علیه آزادی است.

من معتقدم باید به دقایقی که به‌عنوان دقایق سازنده گفتمان اصلاح‌طلبی در سال ۷۶ شکل گرفته، برگردیم. اما ما کجا باید تکمله بز نیم؟ کجا باید حاشیه بز نیم؟ کجا باید بر این دفتر ورقی بیفزاییم؟ این تقاضای شرایط و نسل ماست. طبیعی است در جامعه‌ای که تاریخ به‌صورت فشرده در آن عمل می‌کند، هر لحظه‌اش سالیانی است

یعنی انسان‌های یک جامعه را با سطح قلیل و مبتذلی از آزادی اقناع و اشباع کنیم تا آزادی اصلی فراموش شود. به قول مرحوم شریعتی این یک نوع استعمار است. یعنی به افراد، حق کوچکی داده شود تا از حق بزرگ‌تر چشم‌پوشی شود. گاه دولت‌ها این کار را می‌کنند. در برخی سطوح اجتماعی و حتی فرهنگی بخشی از آزادی‌ها را انزریق می‌کنند، برای اینکه مردم اقناع و اشباع شوند و به آزادی سیاسی نیندیشند. اساساً نمی‌توانیم این را آزادی تعریف کنیم. درثانی اگر چنین رفتاری را آزادی تعریف کنیم، این رفتار واقعاً در جهت آزادی به معنای اخص و دقیق کلمه عمل می‌کند یا در مقابل آن می‌ایستد؟ آیا معنای واقعی آزادی را حذف می‌کند؟ آیا آن را زیر سایه سنگین پاک‌کن خود قرار داده و اجازه صدا و رؤیت‌پذیری به او نمی‌دهد و آن را به حاشیه می‌برد؟ ما باید به این دو مسئله توجه داشته باشیم.

کا مسئله عمومی که می‌تواند عقیه اجتماعی را حول محور خود تجمع کند، طی چه فرآیندی شکل می‌گیرد؟ اشاره کردید که باید پیش‌زمینه تاریخی داشته باشد. شاید در مورد انتخابات سال ۷۶ این پیش‌زمینه مهیا شده بود. اما الان - در دهه ۹۰ - فکر می‌کنید مسئله عمومی شکل گرفته است؟ آیا از بالا به پایین است؟ یا نه، نیازی به مهندسی کردن ندارد؟

دو حالت دارد. یک حالت این است که «موقعیت» شور می‌آفریند، یعنی یک شرایط، یک خواسته را برجسته می‌کند. دفعتاً یک خواسته میان اقشار مختلف مردم برجسته می‌شود. مانند شرایط انقلاب یا به تعبیر «بدیو»، شرایط یک رخداد. یک رخداد وقتی حادث می‌شود، ممکن است یک تقاضا اذهان و گروه‌های مختلف را طی کند. دفعتاً در چنین شرایطی تقاضای مردم این می‌شود که فلان نظم نباید باشد. این گروه‌ها می‌توانند سوسیالیست، ناسیونالیست، شونویست، مسلمان رادیکال یا لیبرال و یا لیبرال باشند. اما در شرایط خاصی این تقاضا تمام نیروهای اجتماعی را طی می‌کند. با اینکه این گروه‌ها متفاوت بوده و ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های آنها متفاوت است. در یک مقطع تاریخی، «موقعیت» شورش می‌کند؛ یعنی چیزی را در دستور کار نیروهای اجتماعی قرار می‌دهد و برای تمام مردم این خواسته برجسته می‌شود و اولویت پیدا می‌کند. اما این موارد، گاه‌به‌گاه رخ می‌دهد نه همواره. این موضوع همچنین بستگی دارد به کارگزاران تغییر تاریخی؛ کارگزاران آگاه و خودآگاهی که آهسته و پیوسته شرایط را برای این «هم‌پیوندی» ایجاد می‌کنند. این کارگزاران، شرایط را برای اینکه نوعی انتظام در پراکندگی ایجاد شود فراهم می‌کنند؛ مانند نخ تسبیح، دانه‌های متکثر اجتماعی و سیاسی را به‌هم پیوند می‌دهند و بالاخره یک نیروی اجتماعی با یک خواسته اجتماعی و یک مطالبه اجتماعی ایجاد می‌کنند.

حالت دوم، احتیاج به نوعی درایت و مدیریت دارد و نوعی تدبیر می‌خواهد، تدبیر آهسته و پیوسته و مستمر؛ نه گهی تند و گهی خسته. مشکل نیروهای اجتماعی و سیاسی ما این بوده که در طول تاریخ یکصد سال گذشته، گهی تند رفته‌اند و گهی خسته. گهی جهش‌وار و دبالکتیکی خواسته‌اند که جهش کنند و از یک دوران به دوران دیگری برسند. گهی هم خسته شده‌اند و زانوی غم بغل گرفته و از ترفتن سردوی ساخته‌اند؛ اینکه «نمی‌توان» و باید به شرایط تن داد و بعد هم نسبت به شرایط منفعل شده‌اند.

من معتقدم که تغییرات اجتماعی آهسته و پیوسته و تاریخی صورت می‌گیرد. ممارست و حوصله می‌خواهد؛ باید حوصله تاریخی داشت. ما متأسفانه این حوصله تاریخی را نداشته‌ایم. برای همین جامعه مدنی را در لحظات جست‌وجو کرده‌ایم، مومکراسی، عدالت، اصالت فرد و اصالت تعدد و تکثر را در لحظات جست‌وجو کرده‌ایم و چون در لحظه نتوانسته‌ایم [به آنها] برسیم، از آنها عبور کرده‌ایم و به حاشیه رفته‌ایم و با انفعال خود اجازه داده‌ایم که جریان دیگری سر کار بیاید.

به قول «شاملو»، گناه همواره به گردن کسانی است که در لحظات تاریخی و تغییر یاب غایب هستند. ما آن‌موقع که باید حضور می‌داشتیم، در غیبت تاریخی بوده و قهر کرده بودیم. چون فرض ما این بوده که باید این مفاهیم با تمام غنایش در دوران یک ریاست‌جمهوری محقق باشد؛ آن‌هم در بالاترین حد ممکن و حالا چون آن ایده‌ها برآورده نشده، گوشه‌گیری اختیار کرده‌ایم و اجازه دادیم که جریان دیگری حاکم شود. از فردای حاکم‌شدن آن جریان هم، مثل کیسه گدرو راه رفته و غر زده‌ایم. این، همان چیزی بود که خود کشتیم و طلب کردیم. اگر می‌خواهیم چنین سیر سینوسی تاریخی نداشته باشیم و تاریخ خطی عمل کند، باید بتوانیم مردان و زنان «درراه» باشیم. مردان و زنانی باشیم که از «رفتن»، هدف بسازیم، نه از «رسیدن». باز به قول شاملو، «رفتن» هدف است نه «رسیدن».

کا آنچه می‌گویید می‌شود این‌طور نتیجه گرفت که معتقد هستید باید به خواسته‌های سال ۷۶ برگردیم. اما این بار با طمأنینه.

از نظر من اصلاح‌طلبی یک پروژه ناتمام و یک لوح ملفوف بوده که هنوز تمام و کمال کشوده نشده است. ما مفاهیمی را مطرح کردیم؛ اما مصداق این مفاهیم را دقیقاً تعریف نکردیم. مفاهیم در سطح مفهوم بسیار زیبا و فریبا هستند. اما مصداق آنها چیست؟ به‌اصطلاح زبان‌شناسی، ما «ادال‌های زیادی را مطرح کردیم؛ اما در «مدلول» آنها کم آوردیم و متکثر بودیم؛ یعنی اساساً در مفهوم اصلاح‌طلبی، درباره مدنیت، جامعه مدنی و دموکراسی چه فهم می‌کنیم؟ ما مشترک نبودیم؛ چون نگذاشتیم این غنای مفهومی سرریز شود. از غنای مفهومی بهره نبردیم. تلاش نکردیم که این کوه آتشفشان را بارور و شکوفا کنیم. در همان «سطح» باقی ماندیم؛ اصلاح‌طلبی پروژه‌ای ناتمام است. من معتقدم باید به دقایقی که به‌عنوان دقایق سازنده گفتمان اصلاح‌طلبی در سال ۷۶ شکل گرفته، برگردیم. اما ما کجا باید تکمله بز نیم؟ کجا باید حاشیه بز نیم؟ کجا باید بر این دفتر ورقی بیفزاییم؟ این تقاضای شرایط و نسل ماست. طبیعی است در جامعه‌ای که تاریخ به‌صورت فشرده در آن عمل می‌کند، هر لحظه‌اش سالیانی است و خود یک تاریخ. تحولات در جامعه ما بسیار سریع و ژرف عمل کرده و به‌سرعت نظم پیدا می‌کند. تقاضای آن به‌سرعت تغییر کرده و متفاوت می‌شود. ما از یک سو در حال بازگشت به این پروژه ناتمام هستیم تا تلاش کنیم که آن را تمام و مفاهیم آن را تطبیق و شکوفا کرده و برای آن مدلول‌های مناسب پیدا کنیم. البته نیم‌نگاهی هم به شرایط زمانه خود و تقاضای نسل کنونی داریم و تلاش می‌کنیم تکمله‌ای به گفتمان اصلاح‌طلبی بز نیم که با نسل جدید و تقاضای آن رابطه برقرار کند، نه صرفاً نسل ۷۶. نمی‌توانیم بگوییم که یک گفتمان یک‌بار مصرف ایجاد کرده‌ایم که در فلان تاریخ تولید، تدوین و فصل‌بندی شده و نسل‌های بعدی فقط باید به نام اصلاح‌طلبی، از آن ارتزاق فکری کنند. چنین چیزی ممکن نیست. باید هر لحظه این گفتمان را به تعبیر مولانا «نو نو» کنیم. خداوند هم چهان را هر لحظه «نو نو» می‌کند. چگونه می‌توانیم به خود بقبولانیم گفتمانی را شکل داده‌ایم که نو نو نشود. اگر به گذشته خود برگردیم و به «دقایق» دوباره عنایت کرده و تامل در آن کنیم و از سبوی دیگر به شرایط کنونی بل رده و آن گفتمان را در بافت تاریخی خود بنشانیم؛ می‌توانیم همان حرکتی را که در ۷۶ ایجاد کردیم، در شرایط کنونی هم به وجود آوریم.

کاوبان این تعریف شما به تعریفی که از «نواصلاح‌گرایی» ارائه دادید باز می‌گردد. درواقع تداوم گذشته به‌همراه نقد آن، تلاش برای اصلاح و انطباق آن با شرایط جدید. اما آقای حجاریان در جایی این بحث را مطرح می‌کنند که باید به‌جای نواصلاح‌گرایی، «اصلاح‌طلبی نو» آمد و نظر قرار دهیم. گویی این صحبت شما را به معنی بازسازی، از‌بیرن‌بردن و ساختن یک بنای جدید می‌دانند. ایشان ایده خود را بر این اساس قرار می‌دهند که لازم نیست همه چیز از ابتدا شکل بگیرد، بلکه باید اصلاح کنیم؛ اما من احساس می‌کنم هر دوی شما یک موضوع را مد نظر قرار دارید و این مفاهیم درگیر تفسیرهای مختلف شده است. من فکر نمی‌کنم سعید با ایده‌های من مخالف باشد. بارها که با یکدیگر صحبت داشته‌ایم، ایشان هم دغدغه همین مسائل را دارد. اگرچه خیلی احساس نمی‌کنم در این شرایط مطالب من را دقیق خوانده باشد. شاید بیشتر تفاسیری که از مطالب من شده این‌ها را ایشان را به شکل مشغول کرده است، من فکر نمی‌کنم بین من و چیزی که سعید می‌گوید تفاوت باشد. تفاوت فقط در این است که من تلاش کردم این موضوع را تئوریز کنم؛ یعنی آن را از سطح یک کلام، ایده، آموزه و شعار خارج کنم و در قالب یک گفتمان دریاورم؛ یک گفتمان هژمونیک. سپس از این گفتمانی که داعیه هژمونیک دارد، یک گفتمان فراگیر و یک نواکسیس بسازم. یک رخداد از آن بیرون بیآورم. دغدغه من، از نواصلاح‌طلبی، فقط یک منظومه نظری نیست. یک پراکسیس است. یک تئوری به‌مثابه راهنمای عمل برای نسل کنونی است که در عرصه اجتماع و عرصه سیاست بتواند با آن عمل کند. من به‌هیچ‌وجه از کسانی نیستم که بخواهم در ویرانه‌های اصلاح‌طلبی عمارتی برپا کنم. خبر، من به همان عمارت نظری اصلاح‌طلبی باز می‌گردم و تلاش می‌کنم که همان را نو کرده و فوندانسیون آن را تقویت کنم. تلاش می‌کنم آن را به اشکال گوناگونی که مورد پسند و مطابق با مذاق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نسل کنونی است ترمیم و به‌روز کنم. همه مسئله من این است. مسئله من عبور از اصلاح‌طلبی نیست. مسئله من حتی عبور از نسل اول اصلاح‌طلبی - با تمام انتقاداتی که دارم- نیست. مسئله من عبور از رهبری اصلاحات نیست. حداقل مطالب من نشان می‌دهد که آن زمانی که دیگران شعار عبور دادند؛ من توقف در [رئیس دولت اصلاحات] را به‌شدت مطرح و راجع به آن نظریه‌سازی کردم.

ادامه در صفحه ۷

آينه ديروز

۹سال پیش در چنین روزی

- اعتراض اقلیت به بازنشتسگی اساتید- در این تذکر مکتوب نمایندگان عضو اقلیت خواستار بررسی دلایل واقعی بازنشتسگی بیش از ۷۰ استاد دانشگاه شدند
- محسن رفیق‌دوست- نامه اقتصاددانان [منتقد]، حرف حسابی نداشت
- احمدی‌نژاد: چرخ اقتصاد با صنایع بزرگ نمی‌چرخد
- احمدی‌نژاد در اجلاس اتحادیه آفریقا- دیدار با رئیس‌جمهور کومور
- هاشمی [رئیس مجمع تشخیص مصلحت]: مسئله هسته‌ای، دیپلماسی نیرومند می‌خواهد

روایت

- دکتر احمدی‌نژاد در همایش روز صنعت- نرخ سود تسهیلات بانکی باید تا پیش از پایان این دوره دولت، یک‌رقمی شود
- حمایت ۲۱۳ نماینده از عملکرد پانزده‌ماهه رئیس دیوان محاسبات
- احمدی‌نژاد در جلسه هیات‌دولت: بانوان فهیم و عفیف ایران از حضرت فاطمه(س) الگو بگیرند
- حدادعادل در جمع نخبگان استان بوشهر- مجلس با دولت همفکر و همکار است

ایجاد

- ۳ قرارداد: ۷میلیارد دلار- قرارداد خاتم‌الانبیا بزرگ‌ترین پیمانکار کشور شد- قرارداد سازندگی خاتم‌الانبیا توانسته است در مدت زمان کمتر از یک ماه، ۳ قرارداد به ارزش ۷ میلیارد دلار منعقد کند. شاید شنیدن این جمله از کاظم وزیري‌هامانه، که مجموعه قرارداد خاتم‌الانبیا مورد اطمینان هستند به اندازه کافی نشان می‌دهد انعقاد قراردادهایی عظیم با شرایطی سهل، چندان هم دورازدسترس نیست
- تذکر نمایندگان به افزایش قیمت‌ها

کیمیان

- صهیونیست‌ها ۱۰و۳۰ ژوئیه ۳۰ نماینده مجلس فلسطین را گروگان گرفتند- غزه در خون و آتش
- ضربه کاری دیوان‌عالی آمریکا به بوش- دادگاه‌های گوانتانامو غیرقانونی است
- سیل در آمریکا ۲۰۰ هزار نفر را آواره کرد
- تلاش‌های طرفداران دولت نارنجی برای قیضه‌کردن مجلس اوکراین ناکام ماند
- گروه ۸ در تعیین ضرب الاجل [برای پاسخ گویی ایران به پیشنهادهای گروه ۵+۱] ناکام ماند

- مدیرعامل سازمان خصوصی‌سازی- ۶میلیون نفر سهام عدالت گرفتند
- با حضور احمدی‌نژاد- هفتمین اجلاس سران اتحادیه آفریقا امروز آغاز می‌شود

اعتراض

- آخرین تحولات در پرونده انرژی هسته‌ای- گروه ۸: ایران تا چهارشنبه جواب دهد- ایران: مردامه‌ها جواب می‌دهیم
- مخبر کمیسیون عمران: دولت برای کنترل قیمت مسکن وارد عمل شود
- [سیداحمد خاتمی] خطیب نمازجمعه تهران: با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم
- آخرین فیلم بنی‌اعتماد آماده نمایش می‌شود- خون بازی، از تورنوتو تا تهران

جمهوری اسلامی

- در سفر رئیس‌جمهور به گامبیا انجام گرفت- مذاکرات رئیس‌جمهور با برخی سران کشورهای آفریقایی
- آب در اراک سهمیه‌بندی می‌شود
- هواپیمای مسافربری به علت نقص فنی ناچار از فرود اضطراری در اهواز شد
- قیمت جهانی بهای طلا از ۶۰۰ دلار فراتر رفت
- بانک جهانی اعلام کرد- رشد اقتصادی ایران به ۵.۵ درصد می‌رسد
- معاون وزیر نفت: ما هم نمی‌دانیم تکلیف بنزین چه می‌شود

اطلاعات

- دکتر احمدی‌نژاد در دیدار با رئیس‌جمهوری ساحل عاج: پیشرفت و موفقیت ایران، متعلق به همه ملت‌هاست
- دبیرشورای‌عالی امنیت ملی: پیشنهادهای اروپا راه جدیدی برای حل مسئله هسته‌ای ایران مطرح کرده است
- سفر حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج سیدحسن خمینی به سوریه
- شهردار تهران در جمع ساکنان منطقه ۱۹: رفع محرومیت از مناطق جنوبی تهران در اولویت برنامه‌های شهرداری است
- وزیر کار و امور اجتماعی: سالانه یک میلیون نفر به جمعیت جویای کار افزوده می‌شود
- وزیر اقتصاد: سه برابر تسهیلات موجود در بانک‌ها، تقاضا برای وام وجود دارد